

London, California
 The Proposing Power of Love
 (1) (2) (3) (4) (5) (6) (7) (8) (9) (10) (11) (12) (13) (14) (15) (16) (17) (18) (19) (20) (21) (22) (23) (24) (25) (26) (27) (28) (29) (30) (31) (32) (33) (34) (35) (36) (37) (38) (39) (40) (41) (42) (43) (44) (45) (46) (47) (48) (49) (50) (51) (52) (53) (54) (55) (56) (57) (58) (59) (60) (61) (62) (63) (64) (65) (66) (67) (68) (69) (70) (71) (72) (73) (74) (75) (76) (77) (78) (79) (80) (81) (82) (83) (84) (85) (86) (87) (88) (89) (90) (91) (92) (93) (94) (95) (96) (97) (98) (99) (100)

قانون شفا

قانون شفا

کاترین پاندر

گیتی خوشدل

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

فهرست

- مقدمه : شما شفا دهنده اید! ۷
- فصل اول : حقیقت تکان دهنده درباره شفا ۱۱
- فصل دوم : قانون شفابخش «نه» ۲۵
- فصل سوم : قانون «شگفت» شفا ۴۱
- فصل چهارم : قانون شفابخش «رهایی» ۵۵
- فصل پنجم : قانون شفابخش «آری» ۶۵
- فصل ششم : قانون شفابخش ستایش ۷۵
- فصل هفتم : قانون شفابخش محبت ۸۹
- فصل هشتم : شفا از طریق «معجزه» ۹۹
- فصل نهم : قانون مرموز شفا ۱۰۵
- فصل دهم : قانون شفابخش تجسم ۱۱۷
- فصل یازدهم : قانون عارفانه شفا ۱۳۱
- فصل دوازدهم : فعل و انفعالات فرایند شفا ۱۴۵
- فصل سیزدهم : ایثار و بخشش شفابخش ۱۵۷
- در خاتمه : آیا می توانید شفای خود را بپذیرید؟ ۱۷۵

پیام ویژه نویسنده:

شما شفا دهنده اید!

مقدمه

یکی از عظیمترین اسراری که می‌توانید بیاموزید این است که شما شفا دهنده اید! شاید به «موهبت شفا دادن» به صورت قدرت ویژه‌یی اندیشیده باشید که تنها در اختیار تنی چند قرار می‌گیرد. در اختیار کسانی که از نظر معنوی، روانپزشکی، طبابت یا سایر تخصصهای پزشکی، صاحب مقامی ویژه باشند. شاید اعتقاد داشته‌اید که شفا دادن دارای نیرویی مرموز و چه بسا عارفانه است. اعصاری بی‌شمار، واژه «شفا» با خرافات و اعمالی عجیب همراه بود.

در سالهای اخیر، چه بسیار درباره شفا معنوی ناشی از دیگر باره به کار گرفتن شیوه‌های متفاوت یاد شده در کتاب مقدس می‌شنویم. شیوه‌هایی نظیر دعا، دست بر موضع درد یا اندامی نهادن، یا سایر آیینهای مقدس. درباره داروهای معجزه‌آسا و پیشرفتهای جالب توجه علمی و جهشهای عظیم در زمینه سلامت ذهن می‌شنویم که بر درمانها تأثیر می‌گذارند.

بیاید برای همه کسانی که در این راه گامی موثر برداشته‌اند، برکت بطلیسم و از خدا بخواهیم که کارشان را سرعت بخشد. زیرا هرگونه شفا ناشی از ایمان و امری الهی است. اخیراً که بیماری جسارت به خرج داد و به پزشکش گفت که احساس می‌کند شفا معنوی یافته است؛ پزشکش لبخندزنان پرسید: «مگر نوع دیگری از شفا نیز وجود دارد؟»

راز کهن شفا

با وجود روشن بینی در عصر حاضر، بیشتر مردم همچنان می‌پندارند که سلامتشان متکی به منشایی بیرون از خودشان است: متکی به استادی معنوی یا پزشکی متخصص. با این که متخصصان به آن افراد گوشزد می‌کنند که هرگونه درمان به منظور فعال ساختن سلامت از درون خود آنهاست، باز گوش این افراد بدهکار نیست.

بیشتر مردم هنوز به راز کهن شفا پی نبرده‌اند: به این راز که سلامت - خواه سلامت جسمانی و خواه سلامت ذهنی - اساساً کاری درونی است. به هنگام بیماری - درمان هر اندازه نیز که موفقیت‌آمیز باشد - شخص باز هم بارها و بارها بیمار می‌شود، زیرا به علت بیماری خود - اندیشه‌ها و احساسهای بیمار گونه‌اش درباره خویشتن و دیگران و کائنات و جهانی که در آن زندگی می‌کند - پی نبرده است. این اندیشه‌های بیمارگونه، نیروی زندگی را در وجودش به بند می‌کشد و سبب بیماری (بیم - آری) یا ناخوشی می‌شود.

دریافت این نکته که «بیم - آری» به معنای موجبات ترس و واژه و هراس، تماماً حسهایی درونی و ناشی از اندیشه‌ها و احساسهای نادرست و نکوهیده و ناخوشایند در درون خود انسان است - که سلامت را بر باد می‌دهد - بسیار جالب توجه است. بقراط - حکیم یونانی - که او را پدر علم طب می‌دانند، ۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح نوشت: «آدمیان باید بدانند که شادمانیها و خنده‌ها و خوشیهایشان، و همچنین اندوهها و دردها و ناخوشیهایشان زائیده سرشان و تنها زائیده سرشان است.» یکی از تعالیم مرموز مصریان باستان این بود که تن دردناک، ثمره اندیشه دردآلود است. ظاهراً هنوز بسیاری از مردمان به این راز پی نبرده‌اند.

نخستین گام به سوی شفا، توجه به نخستین واژه عنوان کتاب است: قانون شفا. قانون یعنی اصلی که مؤثر واقع می‌شود. واژه «قانون» نمایانگر نوعی «نظم» و ترتیب

امور است. همه با نیوتون^۱ موافقیم که قوانینی طبیعی بر جهان مادی حکمفرماست. این را نیز باید دانست که در قیاس با قوانین طبیعی، قوانینی ذهنی و معنوی وجود دارند، که قانون برتر خوانده می‌شوند. قوانین برتر چنان قدرتمندند که می‌توانند قوانین طبیعی را چندین برابر یا حتی یا معکوس گردانند. وقتی این قوانین برتر به کار می‌افتند معمولاً ثمراتی پدید می‌آورند که در ساحت مادی معجزه‌آسا می‌نمایند. آنگاه «غیرممکن» به ممکن و «لا علاج» به علاج پذیر بدل می‌شود. از این رو، بیماران فقط نیاز دارند که آن «نظم» را در اندیشه‌ها و عواطف و جسم و زندگی‌شان برقرار سازند. سلامت یعنی احساس تمامیت و قدرت در همه زمینه‌های وجود: جان و روح و جسم و سایر امور زندگی. سلامت یعنی امور مالی سالم، روابط سالم با دیگران، و فهم و ادراک سالم معنوی. وقتی شفا در این سه زمینه به درستی به کار برده شود، شفاي جسمانی هم از پی آن می‌آید. از این رو، کسی که این قوانین را به کار می‌برد، هماناً به طب پیشگیری سرگرم است.

کاترین پاندر